

جنجال 20 ساله «کرسنت» با یادداشت تحلیلی از عباس عبدی

نافیان قرارداد، متهمان امروز

جنجال 20 ساله «کرسنت»

این قرارداد 20 سال پیش و در سال 1380 امضا شد و قرار بود از سال 84 نیز به مرحله اجرا برسد

گروه اقتصادی هفته گذشته شرکت دانا گاز امارات مدعی شد که نتیجه شکایت مبني بر اختلاف در تامین گاز، پرداخت خسارت قرارداد کرسنت مشخص و يك دادگاه داوري بين‌المللي ايران را محکوم به پرداخت 607.5 میلیون دلار خسارت به این شرکت کرده است. پرونده کرسنت یکی از سیاسی‌ترین و جنجالی‌ترین پرونده‌های صنعت نفت و گاز کشور است که با مشخص شدن رای این دادگاه، 4 رییس‌جمهور را درگیر خود کرده است. البته که دانا گاز در بیانیه خود اعلام کرده بود، انتظار دارد میزان این خسارت در سال 2023 و پس از رای هیات داوري اعلام و بیشتر شود، چراکه این مبلغ را بسیار کم می‌داند. البته که شکایت این شرکت اماراتی مربوط به هشت سال و نیم ابتدایی این قرارداد 25 ساله است و مابقی سال‌هایی که قرار بود به این شرکت گاز فروخته شود نیز همچنان در دست بررسی است و برخی کارشناسان نیز بر این باورند که ممکن است مبلغ آن که تعداد سال‌های زیادی را نیز در برمی‌گیرد، افزایش یابد. قرارداد کرسنت در صورت اجرایی شدن از سال 2005 تا 2030 را شامل می‌شد. اما چه چیزی باعث شد که این قرارداد به مرحله اجرا نرسد و برای هشت سال و نیم ابتدایی آن جریمه‌ای بیش از 17 هزار میلیارد تومان (با ارزش 28 هزار تومانی) برای ایران در نظر گرفته شود؟ البته که تا روز شنبه، 10 مهر ماه هیچ مقام رسمی به این خبر واکنش نشان نداده و بیژن زنگنه، وزیر اسبق نفت نیز همچنان در این خصوص سکوت کرده اگرچه که 4 سال پیش گفته بود: «کسانی که امروز پرونده کرسنت را محکوم می‌کنند خودشان متهمان

اصلي پرونده هستند.» اين افراد امروز بر سر کار هستند. اين قرارداد 20 سال پيش و در سال 1380 امضا شد و قرار بود از سال 84 نيز به مرحله اجرا برسد. بر اساس اين قرارداد، ايران بايد در ابتدا و به صورت روزانه 500 ميليون مترمکعب گاز به اين کشور صادر مي‌کرد و پس از 7 سال نيز حجم گازهاي صادراتي را افزايش داده و به 800 ميليون مترمکعب مي‌رسانيد. بر اساس آنچه منتشر شده در 5 سال اول حدود 13 ميليارد دلار عايدي صادرات گاز به اين کشور بود. گاز صادره به امارات گاز ترش است که به دليل قرار گرفتن در دريا توانايي تبديش به گاز شيرين براي ايران وجود نداشت. به همين دليل بهترين کار صادرات آن بود. اما چرا مخالفت با اين قرارداد صورت گرفت؟ برخي مخالفتها پيرامون مبلغی بود که ايران بابت فروش اين ميزان دريافت مي‌کرد. مخالفان معتقد بودند که چرا بايد گاز با 20 درصد تخفيف به فروش برسد يا به صورت کلي با قيمت پايين‌تري به اين کشور شيخ‌نشين صادر شود؟ اگرچه که از منطق اين مخالفتها چيزي در رسانه‌ها منعکس نشده است ولي به صورت کلي فروش گاز ميدان سلمان به اين کشور مي‌توانست علاوه بر جلوگيري از اين خسارت که البته طرف اماراتي خوشبين است که در سال 2023 افزايش يابد، از سوختن و هدر رفتن آنها بر سر مشعلها نيز جلوگيري کند. در اين صورت مي‌توان اميد داشت که گاز نيز به اندازه نفت براي کشور مهم باشد و با تحريم يکي، گاز به عنوان يکي از منابع درآمدهاي ارزي براي کشور ايفاي نقش کند. بر اساس آنچه در رسانه‌ها مطرح شده بهاي گاز در قرارداد و تا هفت سال اول به ازاي هر هزار مترمکعب گاز، يك بشکه نفت يا 17.5 دلار بود. البته که در آن سال قيمت نفت ثابت و 18 دلار بود. از سال هشتم تا پايان قرارداد نيز اين رقم به 38.8 دلار مي‌رسيد.

با تمام شدن دوران دولت دوم خاتمي، ايران به روزهاي اجرايي شدن اين قرارداد نزديک ميشد که محمدرضا رحيمي، معاون اول محمود احمدي‌نژاد که رييس ديوان محاسبات نيز بود اجراي آن را مساوي با خيانت عنوان کرد و دستور توقف آن را داد. البته که او بعدها به دليل «دريافت مبالغی از افراد حقيقي و توزيع آن ميان نامزدهاي انتخاباتي مجرم شناخته شد و در ۲۶ بهمن نود و سه به زندان رفت»؛ اما مخالفت با اجراي اين قرارداد باعث شد که اين شرکت اماراتي 4 سال بعد از توقف در اجرا، شکايتش را به دادگاه لاهه ببرد.

چه کسي تعلل کرد؟

اين قرارداد چهار طرف داشت، شرکت ملي نفت و گاز به عنوان فروشنده

بود و شرکت دانا گاز نیز مجری این قرارداد محسوب می‌شد و قرار بود گازهای صادره از ایران را که توسط شرکت کرسنت خریداری می‌شود به دولت امارات به عنوان مصرف‌کننده نهایی برساند. چهار سال بعد از اینکه معاون اول احمدی‌نژاد از اجرایی شدن آن جلوگیری کرد، طرف اماراتی شکایت خود را به هیات داوری ارایه کرد که این هیات نیز در سال 93 و پس از 4 سال از ثبت شکایت طرف اماراتی این قرارداد را معتبر و لازم‌الاجرا دانست. گفته می‌شود در 19 شهریور سال 87 و پیش از اینکه این قرارداد به هیات داوری برده شود، طرف اماراتی به ایران آمده و گفت‌وگوهای را پیرامون کرسنت انجام داده بود که روزنامه کیهان نیز در این خصوص نوشته بود: «مدیرعامل شرکت اماراتی «کرسنت» وارد تهران شده و قرار است ساعت ۱۲ امروز در جلسه‌ای با حضور وزیرکشور، قرارداد جدید خرید گاز از ایران را نهایی کند». اما مذاکرات به جایی نرسید و نامه ۲۵/۱۲/۸۸ سعید جلیلی که آن روزها رییس شورای امنیت ملی بود خطاب به احمدی‌نژاد نیز به یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد از افرادی تبدیل شد که نگذاشتند این قرارداد اجرایی شود. جلیلی در این نامه خطاب به رییس‌جمهور وقت نوشته بود که این قرارداد نباید اجرا شود، چراکه منافع ملی را پوشش نمی‌دهد و پس از آنکه احمدی‌نژاد نیز پاسخ داده بود در صورت اجرایی نشدن، خسارت احتمالی متوجه ایران می‌شود، جلیلی خسارت را 850 میلیون دلار اعلام کرده بود. نکته در این است که شکایت اماراتی‌ها نه بر ذات قرارداد که بر اجرایی نشدن آن بود. رای صادره در سال 93 در نهایت به محکومیت ایران به پرداخت 18 میلیارد دلار ختم شد. علیرضا زاکانی، نماینده مجلس که در آن روزها رییس کمیته پیگیری قراردادهای نفتی مجلس بود، پیش از اعلام حکم گفته بود: «در حال حاضر این پرونده در لاهه با موضوع فساد در حال رسیدگی است و ما امروز در حال دست برداشتن از اعتراض به حق ضایع شده خود درباره فساد در این قرارداد هستیم و در صورت محکوم شدن ایران در داوری کرسنت، دولت باید بین ۸ تا ۳۵ میلیارد دلار خسارت و غرامت به طرف مقابل پرداخت کند.»

مهر محرمانه بر قرارداد کرسنت

نکته‌ای که باید در خصوص این قرارداد به آن اشاره کرد، اعلام نظر نهایی کمیته‌ای که زنگنه در سال 81 و بنا به درخواست حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی برای بررسی ابعاد فنی، اقتصادی، سیاسی و... تشکیل داده بود، به شورای عالی امنیت بود. در این گزارش آمده بود که «اجرایی قرارداد کرسنت در راستای حفظ منافع ملی کشور است». مشخص نیست از سال 81 تا سال 88 که جلیلی به احمدی‌نژاد نامه

نوشت، چگونه و به چه عنوانی حفظ منافع ملی به خطر افتاد و حتی زنگنه نیز سال 96 خطاب به جلیلی که معتقد بود این قرارداد فساد داشت، گفته بود: «ما طلبکار شما هستیم. شما يك گرهی که به سادگی میشد باز کرد، با لجبازی و بی‌تحرکی و ندانستن طبیعت کار و خارج کردن کار از مسیر طبیعی‌اش به يك معضل برای کشور تبدیل و ما را گرفتار کردید که حالا باید با تدبیر در بیاوریم. ما معتقدیم ریالی نباید به کرسنت پول داد اما شما هر روز عده‌ها را بزرگ می‌کنید». البته که با گذشت چند روز از انتشار خبر محکومیت ایران در رابطه با این قرارداد همچنان مسوولان موضع‌گیری در این خصوص نکرده‌اند که البته شاید بخشی از آن به دلیل محدودیت‌هایی بود که شورای عالی امنیت ملی ایجاد کرده بود. خبرگزاری فارس در اردیبهشت 96 در یکی از مطالب خود پیرامون این موضوع نوشته بود: «نکته مهم اینجاست که مسوول اصلی پیگیری وضعیت پرونده کرسنت در دادگاه لاهه، شورای عالی امنیت ملی بوده و یکی از دلایل ایجاد وضعیت به شدت مبهم درباره این پرونده در رسانه‌ها عدم تمایل و همچنین محدودیت‌های ایجاد شده توسط دبیرخانه این شورا برای اطلاع‌رسانی درباره این موضوع بوده است.» اگرچه که دامنه منتقدین از این قرارداد محدود به دولت یا افراد خاصی نمیشود. زنگنه در سال 96 و در مصاحبه‌ای به صراحت گفته بود: «کسانی که امروز پرونده کرسنت را محکوم می‌کنند خودشان متهمان اصلی پرونده هستند.» آن افراد در حال حاضر بر سر کار هستند و شاید روزی بتوانند مهر محرمانه را از گفت‌وگوها، صورتجلسات و آنچه میان ایران و امارات در خصوص این پرونده گذشت، برداشت و حقایق را آشکار کرد.

پرونده کرسنت چه می‌گوید؟

عباس عبدی

هفته گذشته حکم اولیه داوری درباره اختلاف میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی کرسنت صادر و بیش از 600 میلیون دلار خسارت به نفع این شرکت و علیه ایران صادر شد. این پرونده مربوط به بخش اول توافق ایران و کرسنت است که در دولت اصلاحات منعقد شده بود. هرچند به این حکم می‌توان اعتراض کرد، ولی همچنان با ادعای خسارت 14 میلیارد دلاری شرکت مزبور فاصله بسیار زیادی دارد. ضمن آنکه

این شکایت مراحل دیگری هم دارد که البته تمام داستان این دعوا مربوط به دوره احمدی‌نژاد میشود و طبعا باید منتظر احکام آنها نیز بود. ماجرای این پرونده چیست؟ و اهمیت آن در کجاست؟ ماجرا را به‌طور خلاصه می‌توان توضیح داد ولی اهمیت آن در این است که با شناخت این پرونده متوجه می‌شویم که در چنین مواردی نهاد مسوول و فصل‌الخطابی که مبتنی بر تأمین منافع ملی باشد در ساختار سیاسی ما غایب یا کم‌اثر است. فقدان چنین امری موجب خسارات فراوان می‌شود که کرسنت یکی از آنها است و نه حتی مهم‌ترین آن. قرارداد کرسنت درباره فروش گاز ترش میدان گازی و نفتی سلمان در خلیج فارس و در 150 کیلومتری جنوب جزیره لاوان است. این میدان با میدان ابوالبوخوش امارات متحده ذخایر مشترک دارد و هم‌اکنون حدود 10 حلقه چاه گازی دارد. نفت این میدان به جزیره سیری منتقل و از آنجا صادر می‌شود. ولی گاز این میدان ترش است یعنی SH2 آن بیش از حد مجاز است و برای استفاده باید پالایش شود در غیر این صورت سوزانده می‌شود. شرکت ملی نفت ایران با کرسنت قراردادی منعقد می‌کند که این گاز را به آنان بفروشد و آنان خودشان پالایش کرده و استفاده کنند. این قرارداد 25 ساله است و مطابق قوانین داخلی ایران تنظیم شده است.

اجرای نهایی آن در سال ۱۳۸۴ با تغییر دولت و آمدن احمدی‌نژاد همراه بود. به یک باره از دو جهت علیه این قرارداد اخباری منتشر شد. اول از جهت ادعای وجود فساد و رشوه‌ای که در آن تبادل شده بود و دوم از جهت قیمت پایین گاز فروخته شده. درباره فساد و رشوه راه‌حل ساده بود. هر ادعایی را می‌توانستند و می‌باید به دادگاه می‌بردند و نه تنها مجرمان را محکوم و مجازات می‌کردند، بلکه وجود رشوه می‌توانست مبنای قانونی برای لغو یا تغییر مفاد قرارداد باشد. ضمن اینکه این قرارداد مطابق قوانین داخلی ایران منعقد شده بود و مانعی برای رسیدگی دادگاه‌های ایران نیز نبود. درباره قیمت نیز باید گفت که افزایش قیمت نفت در سال 1383 موجب این اتفاق شد، در حالی که قرارداد چند سال پیش بسته شده بود، با این حال نحوه حل این مساله نیز در قرارداد پیش‌بینی شده و قیمت جدید قابل مذاکره بود.

دولت احمدی‌نژاد به‌رغم آنکه در ابتدا از موضع مخالفت وارد شد و نزدیکانش علیه قرارداد داد سخن دادند و دخالت ناروا کردند، ولی ظاهراً خودش متوجه نادرستی این موضع شد و خواهان اجرای قرارداد می‌شود. به ویژه آنکه عمده این گازها در حال سوختن بود و هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نبود. و بخش دیگر گاز نیز به علت مشترک بودن

میدان، توسط اماراتی‌ها از زیر زمین برداشت می‌شد. او حتی معتقد می‌شود که عده‌ای دنبال سنگاندازی در اجرای قرارداد هستند. ماجرا به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی می‌رود که قبلاً هم پرسش‌هایی داشته و پاسخ داده‌اند ولی این‌بار با حضور افراد جدید با انواع و اقسام ترفندها مانع از اجرای قرارداد می‌شوند، حتی اقدامی برای لغو رسمی و قانونی و بر اساس تفاهم این قرارداد یا توافق جدید نمی‌کنند و در نهایت با کش و قوس‌های فراوان و شکل‌گیری داوری بین‌المللی و نیز برگزاری دادگاه‌هایی در داخل کشور که کمتر کسی قادر به بیان جزئیات آن است، سرانجام رسیدگی به این پرونده پیش از روی کار آمدن دولت روحانی در نیمه سال ۱۳۹۲ خاتمه یافته و نهایتاً رای داوری این پرونده به محکومیت شرکت ملی نفت ایران منجر می‌شود.

در این 15 سال، جنجال کرسنت تبدیل به يك مجادله سياسي داخلي شده بود که برای کوبیدن جناح سياسي ديگر مورد استفاده قرار می‌گرفت و تنها چیزی که مورد توجه عناصر فعال این نمایش نبود، در درجه اول احتمال محکومیت ایران و دوم عدم‌النتفع ناشی از سوختن سهم ایران از این گازها که اتفاقاً با امارات مشترك است و سوم بی‌اعتباری قراردادی شرکت نفت بود.

پرونده کرسنت چه می‌گوید؟ هیچ‌کس معتقد نیست که این قرارداد بهترین قرارداد و بدون مساله است. ممکن است ایراداتی هم داشته باشد. این ایرادات یا ناشی از فساد است یا ناشی از ضعف مدیریت طرف ایرانی. اگر ناشی از فساد است باید رسیدگی قضایی شود و قرارداد لغو یا در جزئیات آن تجدیدنظر شود و اگر ناشی از ضعف مدیریت طرف ایرانی است، گناهی متوجه طرف خارجی نیست، یا باید قرارداد را ادامه داد یا آماده پذیرش هزینه خسارت آن شد. البته در هر حال باید به این ضعفها تخلفات مدیریتی رسیدگی شود.

مدیریتی که این امور ساده را متوجه نشود و به جای برخورد منطقی و قانونی، جنجال سياسي به پا کند و بر موج شعارهای توخالی سوار شود نتیجه آن می‌شود هنگامی که یکی از خودشان عهده‌دار کار می‌شود، نظرش تغییر می‌کند و طرفدار اجرا می‌شود ولی هنوز عده‌ای دیگر هستند که با هوچی‌گری و جار و جنجال مانع از اجرای قرارداد و تامین منافع ملی شوند.

پرونده کرسنت می‌گوید که فقدان وحدت سياسي و ضعف استقلال قضایی و نهادهای فراقوه‌ای قدرتمند و بی‌طرف و در غیاب فصل‌الخطاب سياسي و از همه مهم‌تر ضعف نهادهای سياسي پاسخگو، موجب می‌شود که نیروهای سياسي به جای رقابتي قانونمند، وارد ستیز سياسي و تخریب یکدیگر شوند و دود چنین وضعیتی به چشم مردم می‌رود و منافع ملی نادیده

